**صحبتی با فعالین کمونیست**

**درمورد ایجاد تشکل برای هدایت اعتراضات**

امروز بخش اعظم جامعه بدرست بر این باور است که جمهوری اسلامی در عمیق ترین بحران خود دست و پا میزند و دیگر توان سابق را در سرکوب و عقب راندن مردم ندارد. بر این باور است که از دیماه ۹۶ جامعه وارد فاز تازه ای شده و به وضعیت سابق برنخواهد گشت. در این صورت کمونیست ها هم در مقابل شرایط جدیدی قرار گرفته اند که وظایف جدیدی در مقابل آنها قرار میگیرد. یکی از خطیرترین وظایف طیف وسیع کمونیست، سازماندهی و هدایت جنبشی است که از دیماه شروع شده است.

کمونیسم در ایران یک نیروی اجتماعی وسیع است و اگر امروز چپ در اعتراضات کارگری و توده ای دست بالا دارد و فضای سیاسی ایران از سایر کشورهای منطقه متفاوت است، قبل از هرچیز بدلیل وجود این نیرو است و چنانچه این نیرو بر امکانپذیری سازماندهی توده ای در شرایط کنونی و اهمیت تعیین کننده آن واقف شود و دست به کار ساختن آن شود، وزنه خود را در جامعه و در تحولات سیاسی سنگین تر خواهد کرد. وجه مشترک این نیرو سرنگونی طلبی بی تخفیف، رهایی از فقر و استثمار و نابرابری، رهایی از بیحقوقی زن و دخالت مذهب در زندگی مردم و برقراری جامعه ای انسانی، آزاد و برابر، و تضمین رفاه برای همگان است. این خواست ها امروز به خواست میلیونی مردم تبدیل شده است. فعالین کمونیست و چپ در این جنبش حضور و دخالت دارند و باید به فکر سازماندهی آن باشند، برای اینکار نیرویی گرد خود ایجاد کنند تا بتوانند نقش تعیین کننده ای در هدایت آن داشته باشند.

کمونیست ها همیشه بر سازماندهی کارگران و توده های مردم تاکید داشته اند اما توازن قوا و سرکوب شدید کمونیسم مانعی اساسی در مقابل این وظیفه مهم و تاریخی آنها بوده است. امروز اما شرایط تغییر کرده است. هرچه جمهوری اسلامی بی ثبات تر میشود، وضعیت باثبات تری برای حرکت های توده ای و سازماندهی اعتراضات فراهم میشود. در چند سال گذشته و بویژه از مقطع دیماه حرکت های توده ای علیرغم هر افت و خیزی، به فاکتور ثابتی در اوضاع سیاسی تبدیل شده است. امید به سرنگونی در میان مردم گسترش یافته و علاقه به کاری کردن در میان طیف وسیعی از مردم مخصوصا نیروی جوان و پرشور جامعه هر روز بیشتر میشود. در چنین شرایطی میتوان پابپای مبارزات توده ای، تشکل هایی برای سازماندهی و هدایت این اعتراضات را که مدام با شعارهای سرنگونی طلبانه به میدان میاید، ایجاد کرد. روشن است که اینجا بحث از تشکل های عرصه ای در زمینه جنبش کارگری یا معلمان و یا محیط زیست و غیره نیست. به این نوع تشکل ها جداگانه خواهم پرداخت. بحث از نوع دیگری از تشکل است که تاکنون وجود نداشته و با توجه به روند رو برشد اعتراضات و مستمر بودن تجمعات و تظاهرات ها ضرورت یافته است. یعنی تشکل هایی که مبارزات جاری و تجمعات و خیزش خیابانی مردم را سازمان بدهد و هدایت کند، جلو خواست های انحرافی و تاکتیک های بی تناسب با شرایط را بگیرد، به اتحاد مردم معترض کمک کند، دست مردم را در دست هم بگذارد و انسجام و قدرت بیشتری به اعتراضات بدهد.

چنین تشکل هایی احتیاج به توازن قوای متفاوتی یعنی به شرایط عینی متفاوتی دارد. این شرایط اکنون ایجاد شده است. نیروی انسانی آن نیز در جامعه وجود دارد. طیف وسیعی از فعالین سیاسی و اجتماعی، هزاران فعال کارگری و معلمان و بازنشستگان فعال، دانشجویان و زنانی که قهرمانانه در مبارزات شرکت میکنند، صدها محفل کمونیست و فعالین احزاب کمونیست که معمولا هر کدام تجربه سازماندهی چندین اعتصاب و تجمع و اعتراض و تجربه ایجاد انواع نهادها و تشکل های کارگری و اجتماعی را دارند، ماتریال انسانی کافی برای شکل دادن به جنبش وسیعی برای سازماندهی هستند. این نیرو را باید به رسمیت شناخت. این نیرو در چنین ابعاد و چنین توان و کیفیتی هیچگاه و در هیچ دوره ای از تاریخ ایران وجود نداشته است. به همت این نیرو میتوان در هر شهر و محله ای فعالین سرنگونی طلب را در تشکلی برای هدایت اعتراضات گرد آورد و سازمان داد.

شکل دادن به تشکل برای هدایت و سازماندهی اعتراضات توده ای، یک فاکتور مهم در تضمین ادامه کاری اعتراضات است. به شکل گیری شبکه های بزرگی در میان فعالین در یک شهر و محله کمک میکند و در محیط خود تحرک ایجاد میکند. این کار جناح چپ جامعه است. اپوزیسیون راست از این کارها بیگانه است و نه تنها بیگانه که دشمن سازماندهی از پایین مردم است. میخواهد از بالا تغییراتی ایجاد کند و نیازی به سازماندهی مردم در پایین ندارد. میخواهد مردم را دنبال یک قائد بکشاند و هرچه مردم بی شکل تر باشند چه بهتر. میخواهد مردم را به انتظار دخالت دولت آمریکا بکشاند تا مردم نقشی در صحنه سیاسی جامعه نداشته باشند. به این معنی هرچه جامعه سازمان پیدا کند، هم اعتراضات توده ای قدرتمندتر میشود و هم چپ بیشتر میتواند دست بالا پیدا کند و به وزنه سیاسی مهمتری تبدیل شود. این تشکل ها میتوانند بعنوان اهرم مهمی در قطب چپ جامعه نقش ایفا کنند و هرچه کمونیست ها تحرک بیشتری برای شکل دادن به این تشکل ها داشته باشند، فضای چپ تری با خواست های روشن تر در این تشکل ها شکل میگیرد و این نیروی وسیع سازمانیافته تر و با برنامه تر خواهد شد و دسترسی اش به توده های مردم،‌ به میدان آوردن مردم و هدایت میدانی آنها بیشتر خواهد شد. اهمیت سازماندهی اعتصابات کارگری مخصوصا اعتصابات سراسری و تجمعات سراسری کارگران نیز در شرایطی که اعتصابات هر روز ابعاد وسیعتری بخود میگیرد و دورنمای گسترش بیشتر آن نیز وجود دارد، بسیار روشن است و این عرصه امروز ارتباط مستقیمی با اعتراضات توده ای و خیابانی دارد که همانطور که اشاره کردم باید جداگانه درمورد آن نوشت.

خلاصه کنم هم شرایط عینی و هم ذهنی و نیروی انسانی برای ایجاد تشکل های توده ای برای هدایت اعتراضات خیابانی و توده ای وجود دارد. نباید این فرصت را از دست داد. جبهه چپ و آزادیخواهی را باید با ایجاد این تشکل ها مجهز و قدرتمند کرد. حزب کمونیست کارگری بدرست بر ایجاد این تشکل ها و بطور مشخص شوراهای سازماندهی اعتراضات تاکید کرده و دست هر فعالی را که در این عرصه آستین بالا بزند، صرفنظر از هر اختلاف و فاصله ای، میفشارد. این یک وظیفه تاریخی مهم در مقابل کمونیست ها است. ما به سهم خود بسیار خوشبینیم که با توجه به اینکه زمینه این فعالیت وجود دارد، این تشکل ها ایجاد شوند و نقش کارساز خود را ایفا کنند و کلیه رفقای کمونیست، فعالین و رهبران کارگری،‌ فعالین اجتماعی چپ و آزادیخواه، هنرمندان و نویسندگان پیشرو و مردمی، دانشجویان و زنان و جوانانی که تغییرات اساسی میخواهند و وارد میدان مبارزه شده اند، را فرامیخوانیم به این حرکت بپیوندند و یکی از مهمترین نقش های تاریخی خود را ایفا کنند. این یک رکن جدال سیاسی و طبقاتی در مقابل حکومت و جناح راست اپوزیسیون است و باید بسیار جدی گرفته شود. جبهه چپ و آزادیخواهی را باید با اینکار تقویت کرد، به تشکل مجهز کرد، و تشکل با خود دخالت توده های مردم را میاورد. مردم متشکل فردا با سهولت بیشتری در شوراهای خود متشکل میشوند و جامعه و حکومت را در دست میگیرند.

اصغر کریمی